
رهنما
۱۲
حقیقت توسل

بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۱۲ (حقیقت توسل)

نویسنده:

رحیم کارگر

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما ۱۲ (حقیقت توسل)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور:حقیقت توسل/ گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر:مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:۴۰ ص.؛ ۱۱×۱۷ س م.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۰۳-۷

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:توسل

موضوع:توسل -- احادیث

شناسه افزوده:موسسه انتشاراتی قدس رضوی

شناسه افزوده:آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره:BP۲۲۶/۶/ح۶۶ ۱۳۹۱

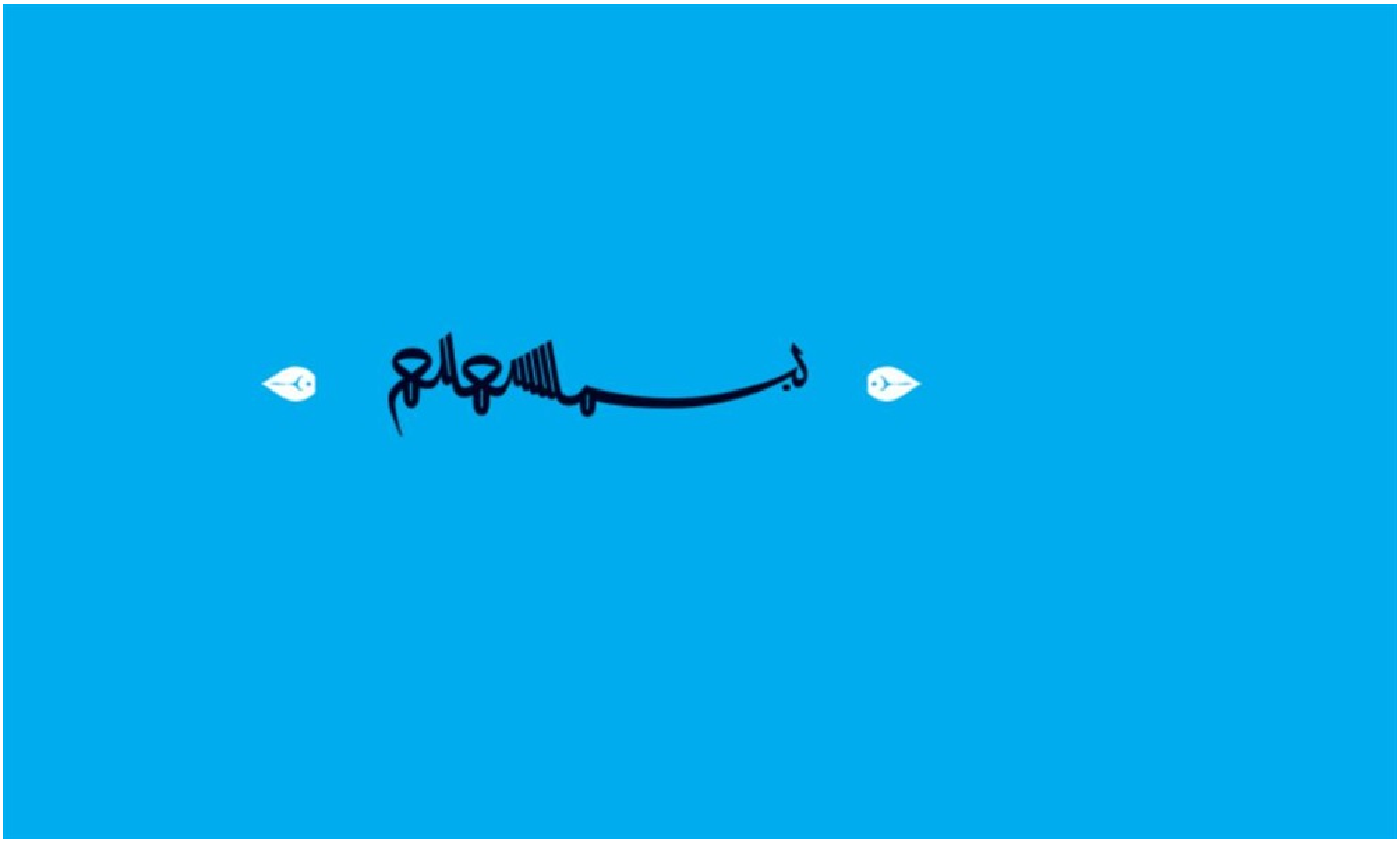
رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۸

شماره کتابشناسی ملی:۲۸۸۲۰۶۶

ص:۱

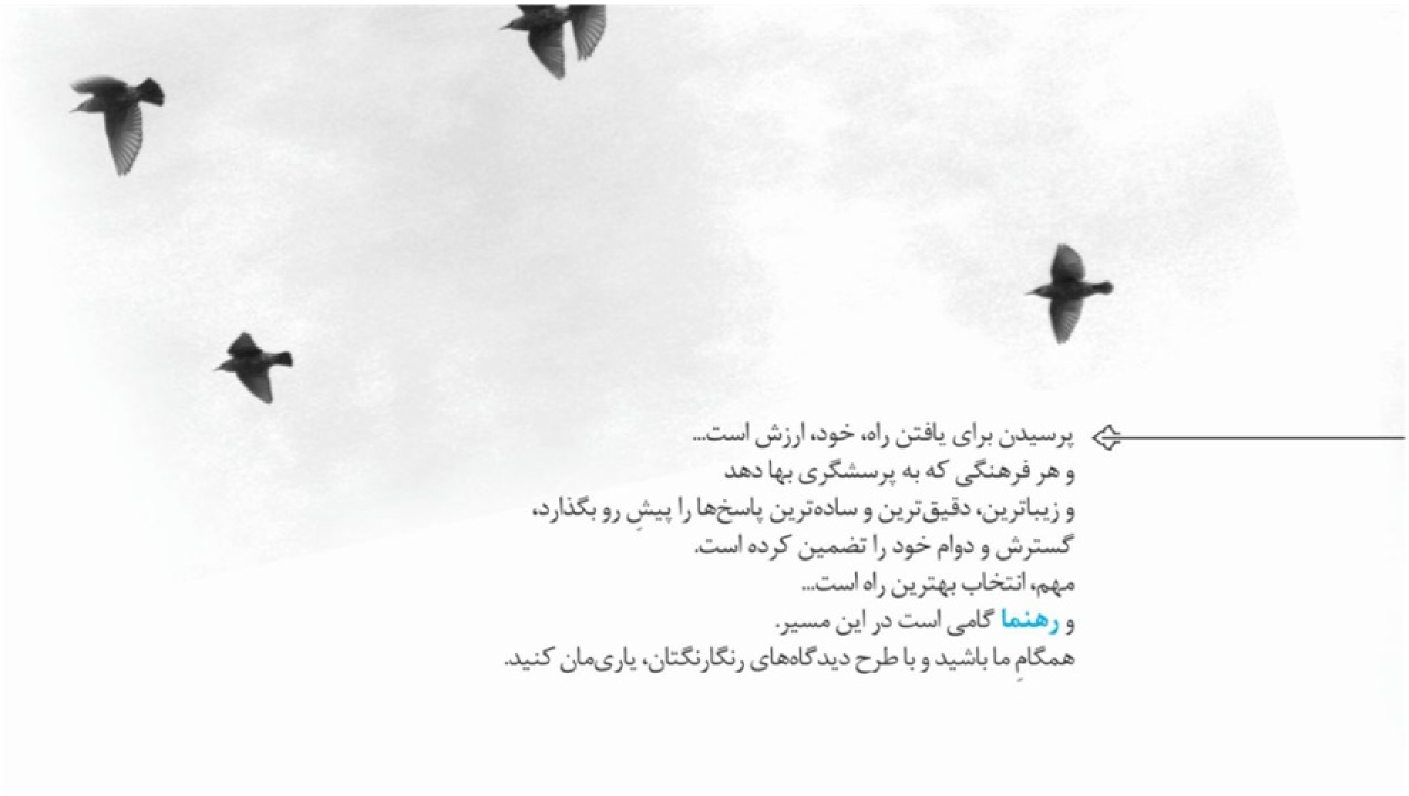
اشاره

تصویر

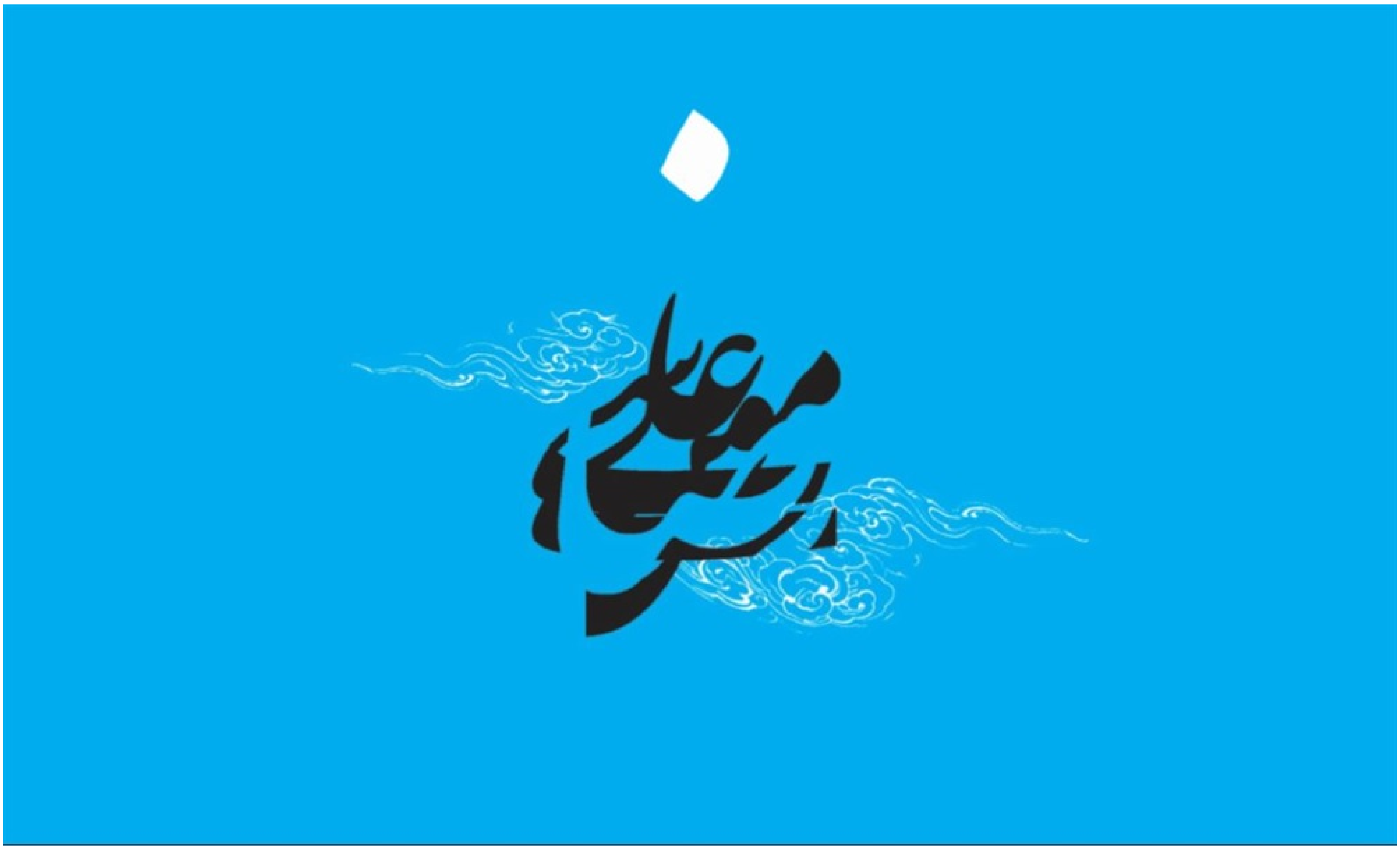


ص:۲

تصویر


پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و رهنما گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



حقیقت توسل

با مطالعهٔ مناظرهٔ زیر که در فضایی خارج از ایران اسلامی روی داده است، میتوانیم به چند سؤال پاسخ دهیم:

۱. حقیقت توسل چیست؟

۲. آیا توسل به اولیای خدا شرک است؟ با عقل پاسخ دهید.

۳. آیا با مردن، رابطهٔ انسان با دنیا قطع میشود و قدرت انجامدادن هیچ کاری ندارد؟

۴. در منابع معتبر اهل سنت، چه شواهد انکارناپذیری برای اثبات حقانیت توسل وجود دارد؟

ص:۵

تصویر



ص:۶

درآمد

توسل در لغت، به معنای مددجستن از وسیله برای نیل به مقصود است. انسان برای رسیدن به مراد خویش، باید به اسباب و واسطه های فیض متوسل شود. ایجاد مزرعه ای آباد جز با شخمزدن زمین و کاشتن نهال و دادن آب و کود به مقدار مشخص و زمان معیّن امکان پذیر نیست. بر این اساس، توسل به معنای استفاده از اسباب، لازمهٔ زندگی انسان در جهانی است که بر آن قانون اسباب و مسببات حاکم است.

مقصود از توسل در اصطلاح مسلمانان، تمسّک جستن به اولیای الهی در درگاه خداوند، برای برآورده شدن نیازهاست. خداوند جهان هستی را براساس نظام اسباب و مسببات قرار داده است و فیض خود را فقط ازطریق مجاری و اسباب عطا میکند: أَبَی اللهُ أن یُجریَ الأَشیاءَ اِلّا بِالأسباب. بنابراین، انسان برای رسیدن به مقصود خویش، باید به اسباب و واسطه ها متوسل شود؛ برای مثال، اگر بخواهد زمین خشک و بایری را تبدیل به مزرعه ای سرسبز یا باغی آباد

کند، باید زمین را شـخم بزند، نهال یا دانه را درون زمین بکارد، به موقع کود و آب بدهد، به اندازهٔ لازم سمپاشی کند و اگر میخواهد به طبقهٔ بالای ساختمانی برسـد، بایـد از پله های آن بالا رود یا سوار آسانسور یا پله برقی شود و همینطور در تمام کارهای روزمره، انسان به اسـباب و وسایل برای رسیدن به مقصود خود تمسک و توسل میجوید. بر این اساس، توسل لازمهٔ زندگی انسان در جهان هستی است؛ جهانی که بر آن قانون اسباب و مسببات حکم فرماست.

ازآنجـاکه هستی عـالَم از خداونـد است و ادامـهٔ آن و هر حرکت و نیرو و تغییری وابسـته به او و ناشـی از فیض اوست، خود برای اعطای فیض خویش، مجاری و اسـبابی قرار داده است. بر همین اساس، خداوند اسباب و وسایلی برای تقرب ونزدیکی به درگاه خویش و برآوردن حاجات تعیین کرده و ما را امر به توسل به آنها کرده است: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا اِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ» (= ای مؤمنان، پروای الهی داشته باشید و به سوی او [توسل و] تقرب جویید.)

ص:۸

در این زمینه، روایات بسیاری نیز وجود دارد.

بنـابراین، حقیقت توسـل به اولیای الهی، تمسک به اسـباب و وسایل قرب به خداونـد است. تمسک به اولیای الهی، به معنای اعتقاد به اسـتقلال آنـان از خداونـد در تأثیرگـذاری و برآوردن حاجـات نیست؛ بلکه توسـل به اولیـای الهی بـا این اعتقـاد همراه است که فقط خداونـد است که مسـتقل و بینیاز از غیر، در عالَم هستی تأثیر میگـذارد. غیر از او تأثیرگـذاری همـۀ اسـباب و وسایل، تحت قـدرت و اراده و خواست خداونـد و متکی به آن خواهد بود.

با توجه به حقیقت توسل، ضـرورت این کار برای ما آشـکار میشود؛ زیرا عالَم هستی براساس نظام اسـباب و مسـببات استوار است و تمسک به اسـباب و وسایـل برای نیل به مقصود و تحصـیل کمالات مادی و معنوی، لازمـۀ این نظام است و خداونـد نیز انسان را در مسـیر کسب کمالات معنوی و قرب به درگاه خویش، امر به تمسک به وسایل، یعنی امر به توسل کرده است.

در این راستا، انسان علاوه بر انجام دادن اَعمال صالح و نیک، میتواند به انسانهای پاک و معصوم و وارسته ای که مرضی خداوند و از مقربان درگاه الهی اند، همچون انبیای الهی و به ویژه پیامبر خاتم و ائمهٔ معصومان توسل جوید. اَعمال صالح و نیک عبارت اند از: انفاق به مستمندان، خدمت به خلق خدا، برآوردن نیازهای همنوعان و عباداتی همچون نماز و روزه که برای تقرب به درگاه الهی تشریع شده و خداوند نیز به انجامدادن آنها راضی است.

درحقیقت، توسل به اولیای الهی، به معنای واسطه و سبب قراردادن آن انسانهای پاک و مقرّب درگاه الهی و طلب دعای خیر آنان در حق متوسلان است. با این توصیف، خداوند به چند دلیل به پیامبران و اولیای الهی چنین نقشی داده است تا مردم به آنان به عنوان واسطه و سبب بنگرند: اول اینکه خداوند با این کار، اولیای خود را کانون توجه و اقبال مردم قرار داده تا درعمل، مردم با مراجعه به آنان و الگوگیری از آنان، به طریق هدایت و سعادت دست یابند؛ دوم اینکه چون اولیای الهی انسانهایی مثل خود ما هستند، افراد خیلی زود و

راحت میتوانند با آنان رابطهٔ عاطفی و نزدیک برقرار کنند و همین ارتباط سریع انسان را به این اسوه ها نزدیک میکند و در معرض هدایت آنان قرار میدهد. سزاوار است زائران حریم قدسی امام رضا نیز فرصت گرانبهای زیارت و ارتباط قلبی با آن امام هُمام را قدر بدانند و با توسل واقعی به ایشان، به کمالات مادی و معنوی برسند.

گفت وگویی برای درک حقیقت

یوسف با اشاره به عده ای از نمازگزاران با ناراحتی و عصبانیت، به دوستش مالك میگوید: «این افراد بدعت گذار را نگاه کن.» مالك از او میپرسد: «چه کسانی را میگویی؟ آیا اینها را میگویی که در حال نمازخواندن و دعاکردن هستند؟ بعضی هم راز و نیاز و مناجات میکنند. چقدر غرق لذت و آرامش اند. من که به حال آنها غبطه میخورم.»

- آری، این شیعیان را میگویم؛ این...!

ص:۱۱

- چرا دشنام میدهی و تهمت میزنی؟ شگفتا! به این مسلمانان چه میگویی؟

- آری، اینان کار درستی انجام نمیدهند.

- برای چه این حرف را میزنی؟ چطور میتوانی به این راحتی و آسانی، اتهام نادرستی دربارهٔ آنها بگویی، درحالیکه آنان جزو امت اسلامی اند و در عبادت و دینداری از همه کوشاتر و پایدارتر؟

- اینها را که میبینی، دائم با امامان خود در ارتباط هستند و به آنها متوسل میشوند و اصلاً به نماز و عبادت کاری ندارند.

- چگونه چنین چیزی ممکن است؟ مگر اینـان الآن، در این مسـجد بزرگ و به سوی کعبه نمـاز نمیخواننـد و این چنین در برابر او اشک نمی ریزند؟ من کتاب های دعا و مناجات آنان را دیده ام؛ هیچ مکتب و گروهی غنی تر از ادعیه و مناجاتهای آنان را ندارد. چنان با خدا راز و نیاز میکنند و چنان تحمید و تقدیس او را میگویند که نمیتوان مشابه آن را در جایی

پیدا کرد.

– آنان به پیامبر و اولیای خدا متوسل میشوند و با عبارت هایی، همچون یا رسول الله، یا علی، یا حسین، یاصاحب الزمان و...، از آنان میخواهند که حاجتشان را برآورند. شیعیان مدعی اند که این ها اولیای خدا هستند و میتوانند نیازهایشان را برآورده سازند. به نظر تو این کار شرک و پرستش غیرخدا نیست؟

– واقعاً به نظر تو چنین کارهایی نادرست است؟

– آری، مشرکان و بت پرستان نیز چنین می کنند.

– راستش را بخواهی به سبب چنین سخنان و تبلیغاتی، من نیز شیعیان را آماج دشنام و تهمت ناروا قرار میدادم.

– دیدی، تو نیز با من هم عقیده ای.

– کمی صبر کن تا برایت توضیح دهم: هرجا که فرصتی دست میداد و در نبود آنان،

ص:۱۳

دشنام خود را نثارشان میکردم و آنها را نه تنها جزو مسلمانان نمیدانستم، بلکه مایهٔ تفرقه و گمراهی نیز میدانستم؛ اما سرانجام، در سفر حج، با یکی از شیعیان همراه شدم. براساس بدبینی ام به شیعیان، با وی سرِ ناسازگاری گذاشتم و کینهٔ چندساله ای را که از آنان داشتم، بر زبان راندم.

– تو حق داشتی. باید هم چنین برخوردی میکردی.

– یعنی به نظر تو دین اسلام دشنام دادن، تهمت زدن، بداخلاقی و پرخاشگری را اجازه میدهد که چنین تشویقم میکنی؟

– آن شیعه در برابر این پرخاشگری و اتهامات من، با صبر تمام خاموش ماند و درحالیکه از چهره اش خوشرویی نمایان بود، در واکنش به رفتار من فقط میخندید. هرچه بر رگبار تهمت هایم می افزودم، با لبخند مهربانش در من مینگریست. خوی نیکوی او آتش دشمنی و دشنامگویی مرا فرونشاند. وقتی ساکت شدم، رو به من کرد و گفت: برادر دینی، مالک،

اجازه میدهی سخنی با تو بگویم؟ بالاخره، میان ما بحث و گفت وگوهایی صورت گرفت و ازجمله مطالبی که مرا به پذیرش حقانیت آنان واداشت، موضوع توسل به اولیای خدا و تعظیم و بزرگداشت آنان بود.

- گویا نیرنگ بازی و سخنان حق به جانب آنان، بر تو نیز تأثیر گذاشته است؛ پس شناخت تو از دین و اسلام اندک است.

- تو دربارهٔ من هم پیش داوری و قضاوت نادرست انجام میدهی؟ این نشان میدهد که اتهامات دیگرِ تو به شیعیان نیز بی پایه و از سرِ لجاجت و تعصب است. من آماده ام تا براساس قرآن و سنت و سیرهٔ مسلمانان، دربارهٔ توسل به اولیای الهی با تو گفت وگو کنم.

- خدای بزرگ به آفریدگانش از همهٔ خلق مهربانتر است و مانعی میان او و خلق وجود ندارد؛ بنابراین بنده در هرجا و هر زمان، باید به طور مستقیم و بدون واسطه، با خدا ارتباط برقرار کرده و بدو متوسل شود. توسل به غیرخدا جایز نیست؛ اگرچه پیامبران، امامان،

تصویر



ص:۱۶

فرشتگان یا بندگان صالح باشند و نزد خداوند برترین مقام و منزلت ها را داشته باشند.

- پرسش من این است که چرا توسل به آنان جایز نیست؟

- انسان پس از مرگ نابود و معدوم میشود و از بین میرود. طبعاً از چنین کسی هیچگونه استفاده ای نمیشود؛ پس چگونه به موجودی متوسل میشوند که نابود شده است؟

- به چه دلیل میگویی که مردن، یعنی نابودشدن است؟ چه کسی این را گفته است؟

- امام محمدبن عبدالوهاب گفته است که متوسل شدن به صالحانِ ازدنیا رفته، درواقع، دست به دامن شدن به فرد معدوم است و این کار ازنظر عقل، ناپسند و زشت است. یکی از پیروان او نقل میکند که میگفت: «این عصای من بهتر و سودمندتر است؛ چراکه از این عصا برای کشتن مار و عقرب و... میتوان استفاده کرد؛ درحالیکه، العیاذ بالله، محمد مرده

است و سودی از او برنمی آید.» اینها گویای ناپسندی و قبیح بودن توسل به مردگان است؛ اگرچه آن مرده، پیامبری همچون رسول خدا باشد.

- اگر حرف تو درست هم باشد، آیا به صرف توسل به انسان مرده، شخص مشرک میشود؟

- علمای بزرگ ما چنین میگویند.

- باید بگویم که قضیه کاملاً به عکس است؛ زیرا با مرگ، حیات برزخی انسان شروع میشود و نیستی و عدم در او راه ندارد. با مرگ انسان، عوالمی برای او آشکار میشود که در زمان حیاتش کشف نشده بود. قرآن دراین زمینه، آیات فراوانی دارد؛ ازجمله میگوید: «فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (= ما پرده ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده ات امروز تیز است.) «وَ لاَ تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لاَ تَشْعُرُونَ» (= و کسانی را که در

راه خـدا کشـته می شونـد، مرده نخوانید؛ بلکه زنده اند، ولی شـما نمی دانید.) صـحیح بخاری که بهنظر اهل سـنت بسـیار معتبر است، میگوید: «پیامبر به کنار قلیب بدر، -جایی که کشـتگان سپاه شرک در آن افکنده شدند- آمدند و خطاب به مرده های مشرکان فرمودند: آنچه خدای ما به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شـما نیز وعدهٔ خدایتان را حق یافتید؟ به حضـرت گفتند: مردگان را به پاسخ دادن فرا میخوانید؟ پیامبر فرمودنـد: شـما از آنان شـنواتر نیستیـد.» ابوحامـد غزالی، از بزرگان اهل سـنت میگویـد: «برخی می پندارنـد که مرگ نابودی است؛ این پنـدار ملحدان و [کافران] است.»

- آیا امام غزالی اعتقاد به نابودی پس از مرگ را کفر و الحاد میداند؟ کجا این مطلب را

ص:۱۹

نوشته است؟

- در کتاب احیاءالعلوم این مطلب را بیان کرده.

- این سخن باورنکردنی و شگفت انگیز است.

- این سخن غزالی شگفت انگیز نیست؛ بلکه بی اطلاعی برخی افراد از آن جای تعجب دارد. آیا خطاب پیامبر به کشتگان قلیب بدر، دلیل روشن و قاطعی بر این نیست که انسانها بعد از مرگ از بین نمیروند؟ اگر این مردگان از بین رفته باشند، نه قدرت شنوایی دارند و نه توان فهم؛ لذا جایی برای گفتهٔ پیامبر باقی نمی ماند. حال اینکه دربارهٔ کشتگان بدر است؛ اما وضعیت دیگران، به خصوص شهیدان و اولیا، روشنتر است.

- در حیرتم که چگونه در این سالهای طولانی، در این آیات تعمق نکرده ام تا به مقصود آنها پی ببرم و چگونه حتی یک بار این حدیث پیامبر و سخن یکی از علمای بزرگمان را نشنیده ام.

- حال، آیا پذیرفتی که سخن شیعه مبنیبر نابودنشدن انسان پس از مرگ، درست و

ص:۲۰

مبتنی بر واقعیت است یا اینکه همچنان در شک و تردید بهسر میبری؟

- نه، در این گفته شکی ندارم؛ اما چیز دیگری مرا حیرت زده کرده است؟

- چه چیزی موجب سرگشتگی و حیرت تو شده است؟

- به رغم این حدیث روشن پیامبر و تصریح و اعتقاد غزالی، چرا محمدبن عبدالوهاب معتقد است که انسانها پس از مرگ نابود میشوند و آن حرف جسارت آمیز را دربارهٔ پیامبر میگوید؟

- نه، نباید مردد باشی؛ بلکه باید افراد را در ترازوی قرآن و سنت و سیرهٔ گذشتگان صالح بسنجی. اگر گفتار و کردار آنان با قرآن و سنت و سیرهٔ صالحان مطابقت داشت، آن را بپذیر؛ اما اگر انحراف و اشتباهی از هرکس، در هر جایگاهی دیدی، باید از او بیزاری بجویی و از حقیقت پیروی کنی.

- من نیز با تو موافقم و میکوشم راه درست و حقیقی را دنبال کنم؛ نه دیدگاه سلیقه ای

و اشتباه افراد و گروهها را. من میپذیرم که انسان با مرگ از بین نمیرود؛ اما با وجود این اندیشه که میگوید «توسل به خلق خدا، شرک و بریدن از دین است»، چگونه میتوان به پیامبر یا اولیای الهی متوسل شد؟

- من نیز از تو میپرسم که آیا دست به دامان زندگان شدن و درخواست برطرف کردن نیاز از آنان و التماس دعا گفتن یا بیان این مطلب که برای مثال، حمید، دیناری به من بده یا از خدا برایم طلب آمرزش کن و...، ازنظر شرع اِشکالی دارد؟

- نه، البته که جایز است.

- حال که این موضوع روشن شد، پس انسان مرده نیز همانند زندگان میشنود؛ بنابراین، توسل به وی چه مانعی دارد؟

- [پس از درنگی] همینطور است که میگویی؛ نباید اینگونه خواستن اِشکالی داشته باشد.

- آری، توسل به آنان هیچ ایرادی ندارد و این موضوع هم در قرآن آمده و هم روایات

فراوانی از شیعه و سنی دراینباره نقل شده است.

- در قرآن و روایات؟! قرآن چه میگوید؟

- خداوند در آیۀ ۳۵ سورۀ مائده میفرماید: ﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَةَ﴾ (= ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جویید.) بدیهی است «وسیله» منحصر به انجام دادن واجبات و محرمات نیست؛ بلکه مستحبات و توسل به انبیاء نیز وسیله است.

- یعنی قرآن از ما می خواهد که بهسوی خدا وسیله ای طلب کنیم؟ یعنی چه؟

- این آیه دلالت دارد بر اینکه مؤمنان برای رسیدن به هدف نهایی که قرب و رضوان الهی است، نیازمند به تحصیل تقوا (بهترین توشه) هستند و نیز نیازمند آنچه سبب تقرب انسان در تمام شئون به خدا میشود. بنابراین، لفظِ وسیله تمام واسطه های مقرب را شامل میشود. در اینجا، عبارت ﴿وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَةَ﴾ از باب ذکر عام بعد از ذکر خاص (تقوا) است.

بر این اساس، پیامبر و عترت او واسطهٔ تقرب به خدای متعال هستند.

- دلایل دیگر چه هستند؟

- اصحاب پیامبر در زمان حیات و پس از وفات آن حضرت، به ایشان متوسل میشدند. پیامبر در زمان حیات خود از این کار منع نمی کردند و پس از وفاتشان نیز دیگر یاران و اصحاب پیامبر افراد را از این کار باز نمیداشتند. اگر توسل به غیرخدا شرک باشد، بی تردید، آنان مؤمنان را از این کار بازمی داشتند.

- آیا برای سخنانت دلیل نیز داری؟

- آری، برای نمونه، چند نکتهٔ تاریخی را ذکر میکنم: احمدبن حنبل در مسند خود، از عثمان بن حنیف روایت میکند که مردی نابینا نزد پیامبر اسلام آمد و گفت: از خدا بخواه تا مرا عافیت دهد. پیامبر اکرم فرمان دادند تا وضو بگیرد و دو رکعت نماز بگزارد و چنین دعا کند: «پروردگارا، از تو درخواست میکنم و به وسیلهٔ پیامبر رحمت به تو

روی می آورم. ای محمد، من دربارهٔ نیازم، به وسیلهٔ تو، به پروردگار خویش متوجه میشوم تا حاجتم را برآورده فرماید. خدایا، او را شفیع من گردان.»

نیز، بیهقی و ابن ابی شیبه با اسناد صحیح چنین روایت کرده اند: «در روزگار خلافت عمر، مردم دچار قحطی شدند. بلال بن حرث کنار قبر پیامبر رفت و گفت: ای رسول خدا، برای امت طلب باران کن که از گرسنگی و خشکسالی در معرض نابودی قرار گرفته اند؛ پس پیامبر به خواب او آمدند و فرمودند: پیش عمر برو، بر او سلام برسان و آگاهش کن که همگی سیراب خواهند شد.»

بیهقی از عمربن خطاب نقل کرده است که رسول خدا فرموده اند: «چون آدم مرتکب خطا

تصویر



ص:۲۶

شد، گفت: خداوندا، از تو میخواهم به حرمت محمد□ گناه مرا ببخشی.» بر این اساس، موضوع توسل در میان امت های گذشته نیز رایج بوده و حرمتی نداشته است و برترین توسل ها نیز توسل به پیامبر□ و آل پاک او□ است.

- چه مطالب درخور توجهی! چرا اینها را به ما نمی گویند؟ چرا باید امت پیامبر□ را از چنین نعمت و فیضی بی بهره سازند؟ چه اِشکال دارد ما در کنار نماز و عبادت خدا، به انسانهای برگزیدهٔ او نیز متوسل شویم و از آنها کمک بگیریم؟ خود پیامبر و اصحاب منعی نکرده اند؛ پس چرا عدهای اذهان مسلمانان را مشوّش میسازند و آن را شرک میدانند؟ بدتر از آن، چنان برخوردهای توهین آمیز و خشنی دارند که گویا با بتپرستان هند و شیطان پرستان غربی روبه رو هستند.

- آری، حرف تو کاملاً درست است. بهنظر من شروع این تهمتها و خشونت ها ازیکطرف، از

ص:۲۷

ناحیهٔ خوارج و ازطرفِ دیگر، ازسوی بنیامیه بود. اینان با اصل نبوت و خانـدان وحی (پیامبر و فرزندان او) مخالف بودند؛ به همین سـبب، از هر طریقی سعی میکردند مردم را از آن بزرگواران دور سازند. نقل کرده اند که مروان بن حکم روزی بر بقعهٔ رسول خدا وارد شد. مردی را مشاهـده کرد که صورت خود را بر قبر گذاشـته است. مروان گردن او را گرفت و به وی گفت: آیا میـدانی چه میکنی؟ دقت که کرد، ناگهان دیـد که او ابوایـوب انصـاری، صـحابی بزرگ است. ابوایـوب گفت: آری، من برای زیـارت سـنگ و نیز این خشـتها نیامـدهام؛ من فقـط برای زیارت رسول خدا آمدهام. از آن حضـرت شـنیدم که فرمودنـد: «بر دین خدا نگریید، اگر فردی شایسـته متولّی آن شده باشد؛ ولی بر دین بگریید، هنگامی که متولّیان آن نااهل شدند.»

- اگر چنین است، چرا اصحاب، مسلمانان را دعوت نمی کردند که مانند شیعیان، به پیامبر

متوسل شوند؟

– اتفاقاً منابع ما، پر از اینگونه دستورهاست؛ ولی چون متأسفانه، عده ای با اصل آن مخالفت میکنند، به این روایات بی اعتنایند؛ درحالیکه شیعیان به همهٔ این روایات توجه کرده و به آنها پایبند هستند و افتخار میکنند که این چنین احترام و تعظیمی برای پیامبر□ و خاندان او□ دارند.

– آیا میتوانی باز هم نمونه هایی برای من بیان کنی؟

– آری، گویند که وقتی منصور دوانیقی روانهٔ حج شد، به زیارت قبر پیامبر□ نیز رفت. در آنجا، به اماممالك، پیشوای مالکیان گفت: ای ابوعبدالله، رو به قبله بایستم و به درگاه خدا دعا کنم یا اینکه رو به قبر پیامبر خدا کنم؟ امام مالك گفت: چرا از پیامبر□ که وسیلهٔ تو و پدرت، آدم به درگاه خداوند است، روی برگردانی؟ روی به جانب او کن و او را شفیع خود قرار ده که بی تردید، خداوند شفاعت او را دربارهٔ تو میپذیرد؛ زیرا خداوند فرموده است: «□وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ اِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ

لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً» (= و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.) بنابراین، عبارت «او وسیلهٔ (واسطه) تو و پدرت، آدم به درگاه خداوند است» دلیل محکمی بر جواز، بلکه بر مستحب بودن توسل به پیامبر است.

دارمی نیز در صحیح خود، از ابوالجوزاء نقل میکند: «مردم مدینه دچار قطحی شدیدی شدند؛ لذا از گرفتاری خود، نزد عایشه شکایت بردند. او گفت: به قبر پیامبر نگاه کنید و با نگاه خود از آن روزنه ای تا آسمان بسازید؛ به گونه ای که حایل و مانعی در میان نباشد و او را نزد خداوند واسطه قرار دهید. آنان این کار را کردند و رفتند. در نتیجهٔ این توسل، آسمان

باریدن گرفت؛ گیاهان روییدند، شترها از فراوانی علوفه، چربی فراوان دادند و از شدت چاقی دریده شدند. آن سال را سال چاک نامیدند.»

- داستان های جالبی نقل کردی، آن هم از کسانی که ما حرف آنها را می پذیریم و درست میدانیم.

- دهها نمونهٔ مشابه آنچه بیان شد، در کتابهای روایی وجود دارد که همگی بر جواز توسل به پیامبر و اولیای الهی، پس از رحلتشان دلالت دارد. بنابراین، اگر توسل به رسول خدا جایز باشد و حرام و شرک نباشد، در این مسئله فرقی بین زمان حیات پیامبر و زمان رحلت ایشان نیست. همچنین توسل به امامان و فرشتگان و صالحان نیز جایز است؛ چراکه اگر این کار شرکآلود باشد، حتی دربارهٔ پیامبر نیز باید حرام و ممنوع باشد و اگر جایز باشد، لازم می آید که نه تنها توسل به پیامبر، بلکه توسل به تمام بندگان صالح خدا صحیح باشد.

ص:۳۱

تصویر



ص:۳۲

پایان سخن

دربارهٔ فوایـد توسل، اول اینکه بایـد دانست توسل و بهره مندی از وساطت امامان و پیامبر، به دسـتور خداوند و با اجازهٔ او انجام میشود و این نشانـهٔ نظام منـدی جهان در مسائل معنوی و مادی است؛ یعنی خداونـد توانا میتوانـد گیاهی را به طور مسـتقیم رشـد دهـد؛ اما نظام جهان را به گونه ای قرار داده است که گیاهـان ازطریق بـاران و آبیـاری باغبان سـیراب شونـد و ازطریق ریشه و آونـدها مواد معـدنی به بخشـهای مختلف درخت و گیاه برسـد. بر این اساس، در مسائل معنوی نیز خداونـد میتوانـد به طور مسـتقیم انسانها را دانا کند و رشد معنوی دهد؛ اما برای آنان کتاب آسـمانی و راهنمایانی قرار داده است تا به رشـد علمی و معنوی برسـند و حتی برای برآورده شدن خواسـته ها و دعاهای خود، پیامبر و امامان را واسطهٔ بهرهمنـدی قرار دهنـد. در منابع نیز از آنان بهعنوان واسـطه های فیض یاد کردهانـد که این نشانـهٔ نظاممندی کارهای خدا در جهان است. دوم آنکه چنین مقام و جایگاهی برای

پیامبر و امامان موجب میشود که مردم رو به آنان آورند و به آنان محبت پیدا کنند و همین، زمینهٔ هدایت بیشتر مردم میشود. سوم آنکه ارتباط مردم با کسی که از یک سو خلیفهٔ خداست و ازسوی دیگر، از جنس بشر و همنوع با آنان است، بسیار محسوس و سازنده خواهد بود.

توسل جستن به اولیای بزرگ الهی از کارهایی است که خداوند در قرآن، ما را به آن سفارش و امر کرده و خواست و رضایت خداوند نیز در این مسئله وجود دارد. منظور از توسل این نیست که کسی حاجت را از خود پیامبر یا امام بخواهد؛ بلکه منظور این است که به مقام پیامبر یا امام در پیشگاه خداوند متوسل شود و این درحقیقت، توجه به خداست. باید توجه داشت که احترام پیامبر و امامان نیز به سبب این است که آنها فرستاده و نماینده و حجت خداوند بر روی زمیناند و در راه او گام برداشته اند.

درهرحال، هدف از توسل این است که خود را در راه پیامبر و امامان قرار دهیم و

ص:۳۴

با برنامه های آنها هماهنگ شویم؛ ضـمن اینکه خـدا را به مقام آنها بخوانیم تا خداوند اجازهٔ شـفاعت را به آنها بدهد. انسان باید بر این عقیده باشـد که هیچکس جز خداونـد، خـالق و رازق و مالـک سود و زیـان نیست و اگر از دیگری چیزی میخواهـد، با توجه به این نکته است که او آنچه دارد از ناحیهٔ خداست؛ همچنین باید بر این باور باشد که پیامبر و امامان از خود چیزی ندارند و هرچه دارند و میخواهند، از خداست و از او میخواهنـد. مسـلمان بایـد با این عقیـده و نیت به آنها توسل جویـد یا از آنها شـفاعتی بخواهد که این عین توحید و اخلاص است. در این نگاه و نحوهٔ نگرش، خداوند و امامان در دو نقطهٔ مقابل یکدیگر قرار ندارند تا توسل و درخواست از امام، غیر از درخواست از خداوند و نقطهٔ مقابل آن و در تضاد با آن باشد؛ بلکه درخواست از آنها عین درخواست از خداوند است.

پس باید توجه داشت که در توسل هرگز منظور این نیست که انسان چیزی را از شـخص پیامبر یا امام به طور مستقل تقاضا کند؛ بلکه منظور این است که با اعمال صالح و

پیروی از پیامبر و امام، شفاعت آنها را بخواهد؛ ضمن اینکه میتواند با سوگنددادن خداوند به مقام و مکتب آنها که خود، نوعی احترام و اهتمام به موقعیت آنها و عبادت است، از خداوند چیزی را بخواهد. این معنا نه بوی شرک میدهد و نه برخلاف آیات دیگر قرآن است.

نکتهٔ مهم این است که در توسل و شفاعت به اولیای خدا، باید تحقیق کرد که توسل و درخواست شفاعت از کسی باشد که خداوند او را وسیله قرار داده است. به طور کلی، توسل به وسایل و اسباب باید با توجه به این باشد که خداوند سبب را آفریده و اوست که آن را سبب قرار داده است و خداست که از ما خواسته از این وسایل و اسباب استفاده کنیم که این موضوع به هیچ وجه شرک نیست؛ بلکه عین توحید است. دراین باره، هیچ فرقی میان اسباب مادی و ظاهری و اسباب روحی و معنوی و نیز اسباب دنیوی و اسباب اخروی نیست. اسباب مادی را از روی تجربه و آزمایش علمی میتوان شناخت و فهمید که چه چیز سبب

ص:۳۶

است؛ ولی اسباب معنوی، مثل دعا و کارهای نیک و یاری پیامبران و امامان را ازطریق دین، یعنی ازطریق وحی و کتاب و سنت باید کشف کرد. فعل و کار خدا نظام مند است؛ اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین سبب است که خدای متعال گناه کاران را ارشاد فرموده که به در خانهٔ پیامبر بروند و علاوه بر اینکه خود از خداوند درخواست مغفرت و بخشش میکنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم میفرماید: «و اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش میخواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

ص:۳۷

برای مطالعهٔ بیشتر

۱. رجبی، حسین، توسل و رابطهٔ آن با توحید، تهران: مشعر.

۲. مناقب، سیدمصطفی، توسل به اهلبیت از نگاه قرآن و سنت، قم: بوستان کتاب.

۳. کاشفی، محمدرضا و سیدمحمدکاظم روحانی، دعا و توسل، تهران: معارف.

۴. کارگر، رحیم، در حریم عشق، تهران: ستاد عمرهٔ دانشجویی.

ص:۳۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹